.

جلسه 126-478

**سه‌شنبه - 03/04/۹9**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث در شهادت ثالثه به این‌جا رسید که عرض کردیم ذکر شهادت ثالثه در اذان مستحب نفسی است و مانعی ندارد کسی آن را به رجاء جزئیت مستحبه بیاورد چون محتمل است که شهادت ثالثه جزء مستحب اذان باشد. و این‌که ائمه طاهرین علیهم السلام نقل نشده شهادت ثالثه نگفته باشند در اذان، کاشف از عدم استحباب آن و جزء مستحب بودن آن نیست چون شرائط تقیه اقتضاء نمی‌کرد که علنا در اذان شهادت ثالثه را بگویند. اما در نماز شهادت ثالثه خارج از ذکر خدا و ذکر پیامبر و مناجاة الرب و دعا و قرائت قرآن است و می‌‌شود مصداق تکلمی که خارج از این‌ها است و عمومات من تکلم اعاد الصلاة اقتضاء می‌‌کند عدم جواز آن را در نماز.

و این‌که برخی به مثل روایتی که در تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام تمسک کردند که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که مفتاح الصلاة الطهور و ان اعظم طهور الصلاة الذی لایقبل الله الصلاة الا به و لاشیئا من الطاعات مع فقده موالاة محمد صلی الله علیه و آله لانه سید المرسلین و موالاة علی علیه السلام لانه سید الوصیین و موالاة اولیاءهما و معاداة اعداءهما. وسائل الشیعة جلد 1 صفحه 398. به این روایت تمسک کرده‌اند بر این‌که شهادت ثالثه بزرگ‌ترین طهور نماز است.

این استدلال عجیب است. چون آنی که در این روایت ذکر شده اصل ولایت اهل بیت است نه ذکر شهادت ثالثه. و لذا به عنوان اعظم طهور نماز یاد شده از آن ‌که بدون آن نماز قبول نمی‌شود. این ربطی به ذکر شهادت ثالثه در نماز ندارد. علاوه بر این‌که سند این حدیث ضعیف است و این تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام ثابت نیست.

برخی ممکن است تمسک کنند برای استحباب شهادت ثالثه در نماز به روایاتی که مفادش این است که ذکر علی عبادة، ‌ذکر الائمة من ولده عبادة که از پیامبر صلی الله علیه و آله در کتاب اختصاص صفحه 224 نقل شده.

جوابش این است که عبادت بودن ذکر علی علیه السلام دلیل بر مشروعیت آن در نماز نیست. مگر هر عبادتی را می‌‌شود در اثناء نماز بجا آورد؟ سجده تلاوت هم عبادت است، اما در اثناء نماز نمی‌شود بجا آورد. طواف خانه خدا هم عبادت است، در اثناء نماز نمی‌شود بجا آورد.

و اما آن‌چه که در کافی طبع دار الحدیث جلد 3 صفحه 476 نقل شده که ذکرنا من ذکر الله، که به نظر ما سند این روایت قابل تصحیح است چون مشتمل بر علی بن ابی حمزه بطائنی است که ما با استصحاب وثاقت روایات او را معتبر دانستیم که ممکن است گفته بشود اطلاق تنزیل که ذکرنا من ذکر الله ‌انا اذا ذکرنا ذکر الله و اذا ذکر عدونا ذکر الشیطان، اقتضاء می‌‌کند بگوییم هر حکمی ذکر الله دارد ذکر اهل بیت هم دارد و ذکر الله در نماز قطعا مشروع است و مستحب است، پس ذکر ائمه هم همین حکم را دارد.

جوابش این است که ظاهر این روایت این است که ذکرنا من ذکر الله، ذکر ما از ذکر خداست‌، این در مقام تنزیل نیست. نمی‌خواهد احکام شرعیه ذکر خدا را بر ذکر اهل بیت مترتب بکند. در مقام بیان این است که یک مصداق ذکر الله به معنای موسع است. ذکر الله به معنای مضیق که همان ذکر عرفی خداست، ‌در نماز مشروع و مستحب است. اما ذکر الله یک معنای موسعی دارد که شامل ذکر اهل بیت هم می‌‌شود. در ادامه هم مؤیدش این است که فرمود انا اذا ذکرنا ذکر الله و اذا ذکر عدونا ذکر الشیطان.

**تکرار فصول اذان**

در ادامه صاحب عروه فرموده است و لابأس بالتکرار فی حی علی الصلاة أو حی علی الفلاح للمبالغة فی اجتماع الناس لکن الزاید لیس جزءا من الاذان. تکرار حی علی الصلاة یا حی علی الفلاح بیش از دو بار برای اعلام بیشتر به مردم که در جماعت حاضر بشوند مانعی ندارد ولی نباید قصد جزئیت در اذان در آن بشود.

مستند این فتوی روایت علی بن ابی حمزه است از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام: لو ان مؤذنا اعاد فی الشهادة و فی حی علی الصلاة أو حی علی الفلاح المرتین و الثلاث و اکثر من ذلک اذا کان اماما یرید به جماعة القوم لیجمعهم لم یکن به بأس. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 428. این روایت اعاده اشهد ان‌لااله‌الاالله و اشهد ان محمدا رسول الله را هم بیان کرده، ‌نه فقط حی علی الصلاة و حی علی الفلاح. ما سند این روایت را عرض کردیم از حیث علی بن ابی حمزه بطائنی و لو برخی مثل آقای خوئی اشکال می‌‌کنند ولی ما او را ثقه می‌‌دانیم به مقتضای استصحاب.

روایت دیگری که در خصوص حی علی الفلاح تکرار را بیان کرده صحیحه زراره است. قال لی ابوجعفر علیه السلام فی حدیث ان شئت زدت علی التثویب حی علی الفلاح و کان الصلاة خیر من النوم. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 426. این روایت می‌‌فرماید حی علی الفلاح را اگر خواستی زیادتر بگو.

راجع به لفظ تثویب که در این روایت مطرح شده، معانی ذکر شده. برخی گفتند تثویب یعنی الصلاة خیر من النوم گفتن. برخی گفتند تثویب یعنی بین اذان نماز صبح و اقامه نماز صبح دو بار بگویند حی علی الصلاة، دو بار بگویند حی علی الفلاح. شهید اول فرموده اجمعنا علی ترک التثویب فی الاذان سواء فسّر بالصلاة خیر من النوم أو بما یقال بین الاذان و الاقامة من الحیعلتین فی اذان الصبح أو غیرها.

ابن اثیر تثویب را به همان گفتن الصلاة خیر من النوم تفسیر کرده. گفته تثویب از ثاب یثوب می‌آید یعنی رجع. شما وقتی اول اذان می‌‌گویید حی علی الصلاة امر می‌‌کنید به مبادرت به نماز، الصلاة خیر من النوم می‌‌گویید بر می‌‌گردید به همان مطلب قبلی باز امر می‌‌کنید به مبادرت به صلات. بهرحال.

در این روایت فرموده است ان شئت زدت علی التثویب حی علی الفلاح و کانت الصلاة خیر من النوم. متن این روایت مجمل است ان شئت زدت علی التثویب یعنی الصلاة خیر من النوم بگوییم؟ حی علی الفلاح هم اضافه بر آن بگوییم؟ یا معنای دیگری دارد؟‌ این روایت مجمل است.

ولی بهرحال به فرمایش مرحوم آقای خوئی وقتی بناء است بدون قصد جزئیت تکرار کنیم فصول اذان را دلیل بر منع ندارد. چون اذان به شرط لا از زیاده که نیست. مثل نماز نیست که در هر رکعت یک رکوع باید باشد نه بیشتر، ‌دو بار حی علی الصلاة گفتن لازم است اما حالا اگر بیشتر بگویید به یک داعی بدون این‌که قصدت این باشد که بگویی این مستحب است و امر دارد، علی القاعدة بلامانع است.

**کیفیت اذان و اقامه نساء**

در ادامه صاحب عروه فرموده است و یجوز للمرأة الاجتزاء عن الاذان بالتکبیر و الشهادتین (زن‌ها می‌‌توانند به جای اذان بگویند الله‌اکبر اشهد ان‌لااله‌الاالله اشهد ان محمدا رسول الله) بل بالشهادتین (می‌‌توانند الله‌اکبر هم نگویند فقط اشهد ان‌لااله‌الاالله اشهد ان محمدا رسول الله بگویند) و عن الاقامة بالتکبیر و شهادة ان‌لااله‌الاالله و ان محمدا عبده و رسوله. به جای اقامه هم الله‌اکبر بگویند و اشهد ان‌لااله‌الاالله و ان محمدا رسول الله بگویند.

مستند این مطالب برخی از روایات است. مثل صحیحه عبدالله بن سنان: قال سألت اباعبدالله علیه السلام عن المرأة تؤذن للصلاة فقال حسن ان فعلت و ان لم تفعل اجزأها ان تکبر و تشهد ان‌لااله‌الاالله و ان محمدا رسول الله صلی الله علیه و آله. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 405.

در صحیحه زراره دارد: قلت لابی جعفر علیه السلام النساء علیهن اذان؟ فقال اذا شهدت الشهادتین فحسبها. اگر فقط اشهد ان‌لااله‌الاالله و اشهد ان محمدا رسول الله بگویند کافی است. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 405. این صحیحه زراره اقتضاء می‌‌کند الله‌اکبر هم لازم نیست گفته بشود.

و اما راجع به اقامه، مستند، صحیحه ابی‌مریم انصاری است: سمعت اباعبدالله علیه السلام یقول اقامة المرأة ان تکبر و تشهد ان‌لااله‌الاالله و ان محمدا عبده و رسوله. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 406.

در یک روایتی که صدوق در علل نقل می‌‌کند به سندش از زراره، ‌ظاهرش این است که اقامه در او کافی است برای زن‌ها که اشهد ان‌لااله‌الاالله و ان محمدا رسول الله بگویند، الله‌اکبر هم لازم نیست. قلت له المرأة علیها اذان و اقامة؟ فقال ان کانت سمعت اذان القبیلة فلیس علیها اکثر من شهادتین. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 407.

اذان قبیله را بشوند ساقط می‌‌شود از او اذان و لو مرد باشد. اما در مورد زن فرمود: اقامه هم همان شهادتین بگوید کافی است. منتها این روایت در سندش عیسی بن محمد است که توثیق ندارد. و لذا می‌‌بینید در متن عروه دیگه نفرمود در اقامه لابأس بالاکتفاء بالشهادتین‌، فرمود و عن الاقامة بالتکبیر و شهادة ان‌لااله‌الاالله و ان محمدا عبده و رسوله که مستند به صحیحه ابی‌مریم انصاری است.

**کیفیت اذان مسافر و مستعجل**

در ادامه صاحب عروه فرموده: و یجوز للمسافر و المستعجل الاتیان بواحد من کل فصل منهما. کسی که مسافر است یا کاری دارد که عجله دارد می‌‌تواند به جای تکرار فصول اذان یک بار هر فصلی را بگوید و همین‌طور در اقامه.

مستند آن روایت قاسم بن عروه است از برید بن معاویه از امام باقر علیه السلام الاذان یقصر فی السفر کما تقصر الصلاة، الاذان واحدا واحدا و الاقامة واحدة. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 424.

مرحوم آقای خوئی در این‌جا فرموده سند روایت چون مشتمل بر قاسم بن عروه است ضعیف است، ‌توثیق ندارد قاسم بن عروه. فقط یک رساله ساغانیه است که منسوب به شیخ مفید است که در آن‌جا توثیق کرده قاسم بن عروه را ولی انتساب این کتاب به شیخ مفید ثابت نیست. ولذا کسی که در سفر می‌‌خواهد در اذان یک بار بگوید هر فصل اذان را، اشهد ان‌لااله‌الاالله را مثلا یک بار بگوید، اشهد ان محمدا رسول الله را یک بار بگوید، باید رجاءا اذان را بگویند نه به قصد جزمی این نوع اذان.

ولی به نظر ما قاسم بن عروه ثقه است. چون قاسم بن عروه از مشایخ ابن ابی عمیر است و شیخ طوسی شهادت داده که مشایخ ابن ابی عمیر ثقات هستند.

راجع به تقصیر مسافر و کوتاه کردن اقامه نماز را که به هر فصلی یک بار اکتفاء کند استدلال شده به روایت نعمان رازی. که گفته سمعت اباعبدالله علیه السلام یقول یجزئک من الاقامة طاق طاق فی السفر. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه425.

روایت نعمان رازی سندا ضعیف است چون رازی توثیقش ثابت نیست.

ممکن است کسی به ذیل روایت قاسم بن عروه از برید بن معاویه تمسک کند که برخی نقل کردند در ادامه دارد و الاقامة واحدة. آنی که در وسائل و وافی است همین الاقامة واحدة آمده نه الاقامة واحدة واحدة. الاقامة واحدة شاید معنایش این باشد که چه در سفر چه در حضر به یک شکل باید اقامه گفت بر خلاف اذان‌ که کیفیت آن در سفر با حضر فرق می‌‌کند.

اما این‌که در حال استعجال می‌‌شود یک بار اکتفاء کرد به فصول اقامه و اذان، ما در مورد اذان دلیل داریم. صحیحه ابی عبید حذاء است، رأیت اباجعفر علیه السلام یکبر واحدة واحدة فی الاذان فقلت له لمَ تکبّر واحدة ‌واحدة فقال لابأس به اذا کنت مستعجلا. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 425. ممکن است کسی بگوید این فقط در مورد تکبیر است یکبر واحدة واحدة فی الاذان. ولی در جواب گفته می‌‌شود تعبیر واحدة واحدة نشان می‌‌دهد مراد از تکبیر کل فصول اذان است و الا دیگر یکبر واحدة باید بگویند نه یکبر واحدة فی الاذان.

راجع به کوتاه کردن اقامه در حال استعجال که یک بار هر فصلی را بگوییم هیچ حدیثی نداریم. مگر کسی بگوید در صحیحه معاویة‌ بن وهب آمده که الاذان مثنی مثنی و الاقامة واحدة واحدة‌، و قدرمتیقن از آن این است که در حال سفر و در حال استعجال ما اکتفاء می‌‌کنیم به یک بار گفتن فصول اقامه که مرحوم شیخ طوسی این‌جور معنا کرده که ما قبلا به آن اشکال کردیم.

در ادامه صاحب عروه فرموده کما یجوز ترک الاذان و الاکتفاء بالاقامة. در سفر می‌‌شود اذان را ترک کرد و فقط اقامه را گفت.

مستندش برخی از روایات صحیحه است مثل صحیحه عبدالرحمن بن ابی‌عبدالله عن الصادق علیه السلام یجزئ فی السفر الاقامة بغیر اذان.

اما تعبیر بعد صاحب عروه مشکل است که فرموده بل الاکتفاء بالاذان فقط، می‌‌شود در سفر فقط اذان بگوییم اقامه نگوییم. این هیچ وجهی ندارد. ما هیچ حدیثی پیدا نکردیم که اذان بدون اقامه مشروع است. و ظاهر اذان و استحباب اذان در نماز در فرضی است که بعدش اقامه بگوییم. حالا اگر کسی بخواهد در سفر رجاءا فقط اذان بگوید یا در غیر سفر فقط رجاءا اذان بگوید اشکال ندارد ولی دلیلی بر مشروعیت قطعیه‌اش و استحباب قطعیش ما نداریم.

**ترجیع در اذان و اقامه**

بعد صاحب عروه فرموده و یکره الترجیع علی نحو لایکون غناءا و الا یحرم. اگر اذان و اقامه را به نحو غنایی بگویند حرام است که واضح است ولی اگر ترجیع باشد بدون غنا مکروه است.

ما دلیلی بر کراهت ترجیع در اذان اگر منجر به غنا نشود نداریم. بله در فقه الرضا آمده که لیس فیها ترجیع و لاتردد. ولی فقه الرضا اعتباری ندارد.

**تکرار فصول اذان بیش از حد لازم**

در نهایت صاحب عروه فرموده و یکره تکرار الشهادتین جهرا بعد قولهما سرا أو جهرا بل لایبعد کراهة مطلق تکرار واحد من الفصول الا للإعلام. مکروه است تکرار فصول اذان بیش از آن مقدار لازم مگر به غرض اعلام برای اجتماع مردم باشد.

البته این کراهت دلیل ندارد مگر آن روایتی که در سابق نقل کردیم روایت علی بن ابی حمزه که در آن روایت این‌جور آمده بود که لو ان مؤذّنا اعاد فی الشهادة و فی حی علی الصلاة أو حی علی الفلاح مرتین و الثلاث و اکثر من ذلک یرید به جماعة القوم لیجمعهم لم یکن به بأس. که مفهومش این است که در غیر این صورت فیه بأس که حمل بر کراهت می‌‌شود.

و لکن استدلال به این روایت مبتنی است بر توثیق علی بن ابی حمزه بطائنی. علاوه بر این‌که ممکن است بگوییم محل ابتلاء را بیان کرده. این‌که محل ابتلاء بوده این‌ها را تکرار می‌‌کردند بخاطر اجتماع مردم فرموده این اشکال ندارد ولی بدون انگیزه تکرار کردن این داعی بر او نیست مگر کسی بخواهد تشریع کند قصد استحباب کند، او حرام است.

این راجع به این بحث از اذان. کلام واقع می‌‌شود در موارد سقوط اذان ‌که ان‌شاءالله در سال آینده دنبال خواهد شد.

اللهم کل لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و علی‌ آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا.

و الحمد لله رب العالمین.